

دین ماشینی

14 آذر 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

در ادامه‌ی بحث پیشین پیرامون جایگاه دین، همان‌گونه که ذکر شد، به بررسی جایگاه دین در سطح اجتماع پرداختیم. برای رسیدن به ریشه‌ی این مهم، از مباحث‌های به‌ظاهر ساده و موضوع‌های بارز در اجتماع آغاز کردیم تا از این‌رو بتوانیم به بن‌مایه‌های این خاستگاه دست یابیم.

یکی دیگر از بروزهای باورهای معنوی در ایران، با رسیدن ماه محرم سر برمی‌آورد؛ دین ماشینی. گروهی از مردم، در راستای هم‌نوا شدن با روزهای عزاداری، به نوشتن کلمه‌ها و جمله‌های مذهبی روی بدنه‌ی ماشین خود اقدام می‌کنند که به‌شکل یک مُد درآمده.

این موضوع نیز همانند مبحث پیشین، پرسش‌هایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. آیا باید با یک نوشته‌ی بزرگ روی بدنه‌ی ماشین خود، نشان دهیم که اعتقاد و باورمان چیست؟ صرف‌نظر از این پدیده‌ی نوظهور در ایران، باید این موضوع را مد نظر قرار داد که شاید در دیگر نقاط جهان نیز چنین اقداماتی به شکل‌های مختلف صورت گیرد، اما هدف ما ریشه‌یابی و نگاه به رخدادی‌ست که در سطح عمومی اجتماع ایرانی رخ می‌دهد و از این حیث، بهتر آن است که نگاه تطبیقی را در این مرحله از موضوع، مد نظر قرار ندهیم.

چرا بیش‌تر مشروب‌خورهایی که تمام سال را مست می‌کنند، در ماه محرم مشروب نمی‌خورند؟ اگر مسلمان هستند، پس چرا اصلاً مشروب می‌خورند؟ بعضی جوان‌هایی که تا پیش از محرم، گوشه‌های همراه‌شان پایگاه فیلم‌ها و عکس‌های سکسی بود، ناگهان می‌شود آرشیو پر و پیمانی از فایل‌های مذهبی و همان گوشه‌ی همراه‌شان، تلفنی می‌شود که به‌هنگام زنگ خوردن، در غم «حسین ابن علی» ناله سر می‌دهد. دخترها دست از کار می‌کشند، خلافاکارها، زاهد و عابد می‌شوند، گروه‌های عزاداری در خیابان‌ها حرکت می‌کنند و گاه، جمعیت بیننده‌های آن‌ها، ده‌ها برابر کسانی‌ست که برای همدردی با «حسین»، زنجیر می‌زنند.

جوان‌های ماشین‌سوار، در سال‌های اخیر گرفتار مد ویژه‌ای شده‌اند که روی بدنه‌ی خودرو، شعارهایی مذهبی با موضوع عاشورا خطاطی می‌کنند. گاه در این میان، جمله‌هایی روی ماشین‌ها نقش می‌بندد که نه تنها حس سوگواری ندارند، بلکه باعث خنده و سرگرمی‌اند.

بدون شک، عشق به یک مقام بالای مذهبی، مبحثی کاملاً شخصی‌ست. اما زمانی که این عشق، سر از بدنه‌ی یک ماشین در می‌آورد و آن ماشین در خیابان‌های شهر تردد می‌کند، دیگر نمی‌توان گفت که این موضوعی شخصی‌ست زیرا دیگر باوری‌ست که دارد به جامعه و شعور جمعی، منتقل می‌شود.

به‌راستی چرا در روزهای عاشورا، ما به‌جای پرداختن به بن‌مایه‌های مذهبی، به فکر راه‌انداختن یک کارناوال هستیم؟ آیا دلیل آن نبودن حتا یک فستیوال و کارناوال در کشورمان است؟ اگر بپذیریم که این پدیده، ریشه در یک عشق و احساس درونی عمیق دارد، پس چرا فقط سالی یک بار و آن هم به مدت ده روز فوران می‌کند؟

و اگر بخواهیم از دیدگاه دیگری به این موضوع بپردازیم، به راستی آیا اصلاً در این کار اشکالی هست؟ آیا با تحریم کردن این پدیده، آزادی فردی افراد آسیب می‌بیند؟

سال گذشته، رییس پلیس راهنمایی و رانندگی استان تهران گفت: «نوشتن روی شیشه خودروها که چند سالی است به مناسبت‌های مختلف به‌خصوص ماه محرم رواج یافته، تخلف محسوب شده و با متخلفان برخورد قانونی می‌شود.» به گزارش ایرنا، سرهنگ حبیب‌کمالوند افزود: «بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی، نصب هرگونه وسیله، پرده، رنگ‌آمیزی و نوشتن روی شیشه خودروها که باعث کاهش دید راننده شود، ممنوع است.» وی با اشاره به این‌که پلیس ابراز ارادت قلبی مردم به ائمه را درک می‌کند گفت: «مردم به‌خصوص جوانان ضمن احترام به قانون، باید از نوشتن روی شیشه‌های خودروها و نصب پارچه نوشته‌هایی که مانع دید راننده شود، پرهیز کنند.» کمالوند تأکید کرد: «برخی جوانان این روزها خودروها را آن‌چنان با نوشته‌ها، پارچه‌های سیاه و پرچم‌ها می‌پوشانند که نه‌تنها برای خودشان خطرآفرین است، بلکه عابران و سرنشینان دیگر خودروها را نیز در معرض خطر تصادف قرار می‌دهند.»

گروهی بر این باورند که افراد باید آزاد بوده و بتوانند عشق خود به یک امام شیعه که عاشقش هستند را ابراز کنند. برای نمونه قسمتی از یک متن را مرور کنیم از م.ب که در وبلاگ خود این‌چنین نوشته: (برای حفظ حقوق نویسنده، این متن به همان شکل اصلی خود آورده می‌شود.)

«باز هم گیر دادن به محرم.

... اولین حرکت چند سال پیش بود که شروع شد؛ مبارزه‌ای تحت عنوان مبارزه با علم و علم‌کشی. که در واقع شروع حرکت بود. البته قبل از اون چندین سال روی افکار عمومی کار شده بود. البته کنار این حرکت یه چاشنی هم زده بودن که تلخ به‌نظر نیاد. یعنی یه حرکت صحیح رو باهاش همراه کرده بودند که مورد تایید قرار بگیره. اونم مبارزه با تمثال‌های ائمه بود. این دو حرکت در کنار هم آغازگر مبارزه با عاشورا بود.

خدا خیرش بده اون آقای رو که متوجه موضوع شد و فرمود: هر چیزی که به عنوان نماد عاشورا شده باشد نباید حذف شود.

دومین حرکت فکر می‌کنم سال گذشته بود. تحت عنوان مبارزه با تبلیغات روی ماشین‌ها. این حرکت که خیلی حساب شده بود نکات ظریفی داشت. یادتون میاد که به مدت مد شده بود مردم روی ماشین‌هاشون از ارادت‌شون به ائمه می‌نوشتند؟ مخصوصن محرم. اما از اون‌جا که قراره محرم و تمامی نمادهاش از توی جامعه حذف بشه اون سال از این‌جا شروع کردند. چون به حرکت جدید شکل گرفته بود که نباید قوت می‌گرفت. درسته که قانون می‌گه که نوشتن و چسباندن اشکال بر روی بدنه ماشین ممنوع است ولی نکاتی در این حرکت بود. اول این‌که چرا برای اجرای این قانون محرم رو شروع کردند. دوم این‌که چرا تاکید عوامل اجرایی به نوشته‌های پشت شیشه در مورد ائمه بود نه سایر مطالب. سوم این‌که چرا به ماشین‌های پخش مثلن محصولات غذایی کاری نداشتند که تبلیغات خودشون رو روی ماشین کرده بودن یا اتوبوس‌های شرکت واحد که مثلن تبلیغ ریش‌تراش بود.»

در هر حال موافق‌ها و مخالف‌های زیادی بر سر این موضوع وجود دارند. اما باید به این نکته توجه داشت که پیام عاشورا، مقام حسین ابن علی، عشق عاشق‌ها و یا به گفته‌ی بعضی، عاشق‌نماها، اگر قرار باشد که با پاک شدن نیم لیتر رنگ از بین برود و از صحنه‌ی روزگار حذف شود، واقعا یک مصیبت عالم‌گیر است.

در ادامه‌ی این دست گفتارها، به بررسی و کنکاش دیگر مبحث‌ها پرداخته و یک جمع‌بندی کلی را هدف قرار خواهیم داد.
